

حرم سرزمین آزاد اسلامی

به اعتقاد بسیاری از علمای اسلام منطقه حرم سرزمین آزاد است و برای هر واردی جائز است هرکجای حرم که خواست منزل گزینند و صاحب خانه موظف است او را جای دهد چه بخواهد و چه نخواهد.^۱

در صدر اسلام خانه های شهر مکه همواره بروی زائران بازبود و خانه ها بدون در بود و صحابه از اینکه عده ای از مردم مکه بخاطر سرقت ها مجبور شدند، برای خانه های خود درب بگذارند، ابراز ناخشنودی مینمودند و میگفتند: آیا خانه های خود را بروی حجاج می بندید؟^۲

خلفا در زمان حج دستور می دادند درهای خانه های مکه را از جای برکنند تا خانه ها بروی حجاج باز باشد بهمین دلیل فقهای اسلام در مورد سرزمین حرم بلحاظ قابل تملک بودن آن سه نظریه را ابراز نموده اند:

۱- سرزمین حرم و مکه قابل تملک نیست و حرم منطقه آزاد اسلامی است و سکونت در آن برای عموم مسلمین آزاد می باشد و در نتیجه نه به ارث برده می شود و نه اجاره داده می شود و نه قابل فروش است.

۲- قابل تملک است و به ارث نیز تملک می شود و قابل بیع نیز می باشد ولی در ازای اسکان زواریت الله الحرام کسی نمی تواند مال الاجاره ای دریافت نماید.

۳- از اموال عمومی است و در اختیار دولت اسلامی (امام) قرار دارد و هر نوع تصرف در این سرزمین باید براساس مصالح جهان اسلام بصلاحتدید امام مسلمین انجام گیرد.

منشأ این اختلاف فقهی آنست که شهر مکه مفتوح العنوه است یا سرزمین صلح محسوب می گردد. جمعی از فقها مانند

حرم منطقه آزاد

و قلب جهان اسلام

و آینده آن



شهرستان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



امام خمینی:

گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گرد دیگری نگردید.

خانه های مکه مورد تایید قرار میدهد و میگوید: مراد از مسجد الحرام درآیه همه منطقه حرم است و در این مورد به آیه اول سوره اسراء: «سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلآ من المسجد الحرام» استدلال میکنند که باوجود آغاز معراج پیامبر «ص» از خانه خدیجه و یاشعب ابی طالب دراین آیه به آن مکان، مسجد الحرام اطلاق شده است.

در صحیحہ حسین بن ابی العلاء نیز از امام صادق علیه السلام آمده است:

معاویه اولین کسی است که برخانه اش در مکه درب نصب نمود و حجاج را از ورود بخانه اش منع کرد تا آنکه این آیه نازل شد: «سواء العاکف فیہ والباد» و چنان بود که وقتی مردم بمکه می آمدند برحاضرین وارد میشدند و تا پایان حج از امکانات سکنای آنها بهره می بردند.^۱

فرمان علی علیه السلام

در عصر خلافت امام، کارگزار آنحضرت در مکه، قثم بن عباس بود که مسئولیت اداره این مرکز را از جانب امام برعهده داشت. در یکی از دستورات عملیای حکومتی که از طرف امام بنام حاکم مکه صادر شد از قثم بن عباس خواسته شده بود که مردم مکه را وادار کند از کسانی که سکونت میکنند اجاره بهائی دریافت ننمایند. امام در این فرمان به آیه «سواء العاکف فیہ والباد» استناد کرده بود و برای رفع هرگونه بهانه و شبهه ای، دو واژه «عاکف

آمده است: قال رسول الله (ص): مکه مناخ لاتباع رباعها ولا تواجربیونها^۲.

مبثنی کردن مسأله آزاد بودن سرزمین حرم به تشخیص مفتوح العنوه بودن و یا ارض صلح بودن آن از دو نظر قابل مناقشه است.

۱- عناوینی چون مفتوح العنوه بودن که دارای احکام خاص فقهی است بانقل تاریخی ثابت نمی شود زیرا از یکسو اینگونه مسائل معمولاً مورد اختلاف مورخین است و از سوی دیگر در نقلهای تاریخی اتقان و اعتبار شرعی لازم وجود ندارد.^۳

۲- روایات و متونی که درباره رباع مکه و بیوت حرم نقل شده هیچ گونه دلیل و قرینه ای در آنها دیده نمی شود که ممنوعیت بیع و اجاره آنها بدلیل مفتوح العنوه بودن باشد، شاید با احتمال قوی - نظر بمفاد آیه «سواء العاکف فیہ والباد» چنین سیره ای در زمان پیامبر (ص) و خلفا در مورد حرم معمول بوده است.

لکن برخی از فقهای حکم آیه را مبتنی بر مساوی بودن اهل مکه و زائرین پیراساس مفتوح العنوه بودن آن در زمان رسول خدا دانسته اند^۴ و بنابراین نظریه حکم آیه قانون علیحده و جدا از حکم مفتوح العنوه نیست.

به اعتقاد فقهای شیعه در صورت مفتوح العنوه بودن مکه، تملک و خرید و فروش آن ممنوع می شود و هر متصرفی میتواند مادام که در آن زندگی میکند به تعمیر و تجدید بنای آن اقدام نماید.^۵

شیخ طوسی در کتاب شریف «الخلافا» دلالت آیه را بر عدم جواز بیع و اجاره

مالک و ابوحنیفه و اوزاعی سرزمین مکه را مفتوح العنوه می دانند که پیامبر «ص» پس از فتح مکه این سرزمین را تقسیم ننمود و آنرا بحال خود گذاشت تا اهل مکه و کسانی که بعداً در آن سرزمین سکونت میکنند استفاده نمایند. بنابراین رأی، سرزمین مکه قابل فروش و اجاره نیست و هرکس به آن وارد شود می تواند از آن برای سکونت خویش استفاده کند. و هرکس سبقت بجوید از اولویت برخوردار خواهد بود.

با اعتقاد شافعی، مکه از اراضی صلح است و پیامبر (ص) با فتح مکه آنرا به اهلس و اگذار نمود که چون سرزمین ملکی عمل نمایند.

روایات و تاریخ معتبر حاکی از مفتوح العنوه بودن شهر مکه است و پیامبر (ص) با تهدید و اعلان جنگ وارد حرم شد و گفتار تاریخی آنحضرت که فرمود من اغلق بابہ فهو آمن و من دخل دار ابی سفیان فهو آمن نشانگر آن بود که مردم مکه نه از روی صلح بلکه از روی قهر تسلیم شدند ولی برخی به استناد تسلیم مردم مکه آنرا ارض صلح نامیده اند.

در حدیث علقمة بن نضله آمده است که کانت تدعی بیوت مکه علی عهد رسول الله (ص) السوائب لاتباع من احتاج سکن ومن استغنی اسکن^۶ و در حدیث عبدالله بن عمر نیز آمده است: قال رسول الله (ص): ان الله حرم مکه فحرام بیع رباعها واکل ثمنها - ومن اکل من اجر بیوت مکه شیئا فانما یاکل نارا^۷. در حدیث دار قطنی از عبدالله بن عمر

حج برای این است که مشکلات یکسال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع آن مشکلات برآیند.



برای بررسی راههای عملی این جهاد مقدس، خبرگان و اهل حل و عقد و علما و فقهای اسلام از سراسر کشورهای اسلامی و جهان باید بصورت فردی و گروهی این مسأله حیاتی را به تحلیل بگذارند و کیفیت اجرای سیاست نظارت همگانی مسلمین را از طریق یک هیئت برجسته متشکل از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی که توسط فقهای کشورهای اسلامی انتخاب می‌شوند بررسی و بدور از گرایشهای خاص و وابستگی به شرق و غرب اصول آنرا تدوین و جهت اجرا به مسلمین جهان عرضه نمایند.

بامید آزاد سازی دو قبله در اسارت

از فقهای شیعه و اهل تسنن) حاکمیت گروه خاص و مذهب و دیدگاه فقهی خاص بر حرم این قلب جهان اسلام و ایجاد تنگناها و محدودیتها و مزاحمتها آنگونه که امروز در کشور سعودی حاکم است عملی غیر اسلامی و برخلاف دستور قرآن و شریعت اسلام و سنت پیامبر(ص) و سیره ائمه و صحابه می‌باشد.

بدعت‌هایی که امروز در برابر آیات صریح قرآن چون:

• جعل الله الحرام قیاماً للناس

• جعلناه حراماً ائناً

• جعلناه للناس سواء العاکف فیہ والبادی

رخ میدهد و جهان اسلام هر ساله شاهد نوع جدیدی از این بدعتها است که تحت شعار دروغین رفاه ضیوف الرحمان انجام می‌گیرد، موجب گردیده است که حج از محتوای واقعی و اسلامی و قداست و معنویت و آثارش که همسند عبادی سیاسی خود خالی گردد و چون پوسته‌ای بی محتوا در خدمت سیاستهای استکباری قرار گیرد و تنها چیزی که عامل این استعمار و اقامه این بدعتها است سکوت مرگبار صد‌ها میلیون مسلمان در سراسر جهان اسلام می‌باشد.

آینده‌ای که حرم و سرزمین مکه در انتظار آنست و بعنوان بازگشت به قرآن و سنت پیامبر(ص) و اقامه حج باید تحقق پذیرد، آزاد سازی آن از حاکمیت‌های گروهی و باز گرداندن آن بدوران صدر اسلام و بین الملل اسلامی کردن آن می‌باشد.

و باد» را نیز تفسیر نموده بود: عاکف کسی است که در مکه اقامت گزیده است و بادی کسی است که برای بجا آوردن حج بمکه آمده و از اهالی مکه محسوب نمی‌شود. ۱۱

این فرمان که در رابطه با مسأله حج و اقامه این فریضه بزرگ سیاسی عبادی صادر شده و با جمله: «اما بعد! فاقم للناس الحج و ذکرهم بايام الله» آغاز گردیده، نشانگر اهمیت مسأله حرم و شهر مکه و رابطه آن با اقامه صحیح حج می‌باشد.

آزاد سازی و بین الملل اسلامی کردن حرم و شهر مکه تنها از بُعد مالکیت پذیری این سرزمین و یا از دید اقتصادی حائز اهمیت نیست و بی شک این فرمان که از متن قرآن برخاسته است. به این منظور نبوده که حجاج و زائران بیت الله الحرام با پرداخت اجاره بها در تنگنای اقتصادی قرار نگیرند بلکه روح این فرمان آنست که این منطقه بدلیل محض بودن برای عبادت و قدسیت حج از هر نوع اعمال فشارها و تحمیلها و ایجاد تنگناها بدور مانند بتواند بعنوان للناس و همگامی اعلام گردیده و اختصاصات دیگر که نوعی سلب آزادی در عمل و اقامه حج است الفاشده است.

آینده حرم

بر اساس دو اصل قرآنی که سرزمین مکه منطقه امن و منطقه آزاد اعلام شده است طبق فتوای اکثریت فقهای اسلام (اعم

۱ و ۲ - تفسیر الجامع لاحکام القرآن ج ۱۱ صفحه ۳۲

۳ - تفسیر الجامع لاحکام القرآن ج ۱۱ صفحه ۳۳

۴ و ۵ - تفسیر الجامع لاحکام القرآن - جامع الصغیر

سیوسنی ج ۶ صفحه ۳ - بیهقی ج ۶ صفحه ۳۵

۶ - کتاب البیع حضرت امام مدظله ج ۳ صفحه ۷۲

۷ و ۸ - زبدة البیان لاحکام القرآن صفحه ۲۲۱

۹ - بتقل از مسالک الافهام الی آیات الاحکام ج ۲

صفحه ۲۸۷

۱۰ - اصول کافی ج ۱ صفحه ۲۳۲ - مرآت العقول ج ۳

صفحه ۲۶۶ - تهذیب ج ۵ صفحه ۱۶۳

۱۱ - نهج البلاغه نامه ۶۷ (مراحل مکه الی یاخلموا من

ساکنی اجرا فان الله سبحانه يقول: «سواء العاکف

فیہ والبادی» فالعاکف: المقیم به والبادی: الذي

یحج الیه من غیر اهله و فقتنا الله و اباکم لمحابه

والسلام).